تاريخ عصر غيبت كبرا (6(

سيّد منذر حكيم

اشاره:

در شماره‏ى پيش، به مهم‏ترين چالش‏هاى دوران غيبت كبرا پرداختيم. شناختِ امام غايب براى كسانى‏كه او را نديده‏اند و به محضر او شرف‏ياب نشده‏اند، نخستين مشكل و چالش به شمار مى‏رود. محور اشكال دوم، امكان ايمان به چنين امامى است كه در عين حيات و عصمت، در پُشتِ پرده‏ى غيبت، از ديده‏ها محجوب است، هر چند كه در جامعه حضور دارد. در خاتمه‏ى مقاله گذشته به طور گذرا به اين دو چالش و راه حل اجمالى آن پرداختيم. در اين شماره به يارى خدا به ريشه‏يابى اين دو مشكل و راه حلهاى مطرح شده در متون تاريخى ما كه براى اين دوران برنامه‏ريزى كرده است مى‏پردازيم و ساير مشكلات را نيز در پرتو اين دو مشكل مرور خواهيم داشت.

خلاصه‏ى جواب براى چالش شناخت امام غايب‏

خلاصه‏ى رفع اشكال نخست به شرح زير است:

1- امكان شناخت و وسائل لازم براى تحقّق شناخت و آگاهى عامه‏ى مردم، بويژه نخبگان جامعه، از وجود و استمرار حيات دوازدهمين اختر تاب‏ناك آسمان ولايت، فراهم شده است.

اين آگاهى‏ها، از سوى قرآن كريم و پيامبر اكرم (صلّى‏اللّهُ‏عليه‏وآله‏وسلّم) و امامان پيشين و نواب خاص امام مهدى (عليه‏السّلام) و دانشمندان دوران حضور و دوران غيبت صغرا، و دوران غيبت كبرا نيز به گونه‏اى مستمر و پيوسته، در اختيار عموم مردم و حق‏جويان قرارداده شده است.

2- دلائل عقلى و مجموعه‏ى دلائل حسّى و عينى؛ يعنى، كرامت‏هاى ثبت شده، در طول شصت و نه سال دوران ارتباط با امام مهدى (عليه‏السّلام)، (آن هم به دست افراد گوناگون جامعه) امرى مشهود و مسموع، و در ميان سطوح و اقشار مختلف، از جمله علما و دانشمندان نيز رايج بود، اين دلايل مهم‏ترين ابزار تحقّق ايمان در دوران غيبت كبرا بود.

3- مدعيان مهدويّت و سوء استفاده كنندگان از نام امام مهدى (عليه‏السّلام) در دوران غيبت صغرا و سپس دوران غيبت كبرا، دانشمندان و فرهيختگان جامعه را به دفاع از حريم امامت و امام مهدى (عليه‏السّلام) و مسئله‏ى مهدويّت وادار كرد و به طور غيرمستقيم شناخت مردم به امام مهدى (عليه‏السّلام) را بالا برد.

4- در كتاب‏هاى كلامى و تاريخى و حديثى، به دلائل عقلى و نقلى و حسّى، به خوبى، پرداخته شده است.

5- يكى از مهم‏ترين دلائل قرآنى كه براى عموم صاحبان خرد سؤال برانگيز هم بوده و هست، سوره‏ى مبارك قدر است. فعل مضارع ((تنزّلُ)) در سوره‏اى كه در سال‏هاى آغازين بعثت پيامبر (صلّى‏اللّهُ‏عليه‏وآله‏وسلّم) نازل گشته است، چه معنايى دارد؟ ملائكه و روح، بر چه كسى و براى چه، در شب قدر، از غروب تا طلوع فجر، پيوسته فرود مى‏آيند؟

روايت‏هاى گوناگون در تفسير اين آيه و آيات مشابه، وجود شب قدر در هر سال را تصريح دارد. از اين سوره، وجود يك انسان شايسته براى فرود آمدن ملائك حتى پس از دوران پيامبر اكرم (صلّى‏اللّهُ‏عليه‏وآله‏وسلّم) فهميده مى‏شود.

تمام مسلمانان جهان، بلكه تمام جهانيان، به چنين مطلبى دست‏رسى داشته و دارند و مى‏توانند از آن آگاه شوند. اين مطلب خصوصاً در دورانِ غيبت، بسيار قابل تأمّل مى‏باشد.

شناخت مطلوب و راه رسيدن به آن

در اين شماره، به پاسخ چند سوال ديگر در باره‏ى شناخت و ايمان عموم مردم به امام زمان (عليه‏السّلام) در دوران غيبت كبرا بايد بپردازيم.

سؤال يكم - چه‏گونه ممكن است شناخت مردم از امام مهدى (عليه‏السّلام) در عين غيبت از ديده‏هاى آنان، همچون شناخت آنان از او در حال حضورش باشد؟

سؤال دوم - با توجّه به غيبت امام مهدى (عليه‏السّلام) و احساس نكردن آثار وجودى او در جامعه، چه‏گونه مى‏توانيم شناختى عميق از او پيدا كنيم؟

سؤال سوم - با توجه به دو سؤال گذشته، آيا ممكن است ايمان به وجود او در دوران غيبت كبرا به ايمانى در حدّ يقين برسد؟

كليد حل اين سه سؤال را در شماره‏ى پيش تقديم شد، و روشن شد كه مسئله‏ى امام مهدى (عليه‏السّلام) در دوران غيبت، بويژه غيبت كبرا، يكى از مصاديق ايمان به غيب است. و همان طور كه شناخت و ايمان به خداى نامحسوس، امكان‏پذير است و قابليّت رشد را نيز دارا است، شناخت و ايمان به امام معصوم و غائب كه امامت او در قرآن و سنّت منصوص است، امرى امكان‏پذير بوده و هست.

همان‏طور كه رسيدن به مرز يقين، در موضوع ايمان به خدا، امكان‏پذير است، رسيدن به مرز يقين در مورد ايمان به امام معصوم و غايب نيز امكان‏پذير است. البته، اين ايمان و رشد آن، به ابزار و وسائلى منطقى و علل طبيعى نياز دارد - كه فراهم مى‏باشند.

بنابراين، بايد در وهله‏ى علل ضعف شناخت و ضعف ايمان را بشناسيم تا بتوانيم در رفع اين ضعف كوشا باشيم.

علل ضعف شناخت امام در غيبت كبرى‏

به طور كلّى، مى‏توانيم علل ضعف شناخت مردم را معلول چند امر بدانيم:

1- نداشتن تصوّرى روشن از موضوع مورد اعتقاد؛

2- نداشتن دليل يا دلائل كافى براى عقيده‏ى خود؛

3- مقايسه‏ى مطالب عقلى با مطالب حسّى، و انتظار پيدا كردن دلائل حسّى براى همه‏ى مطالب عقلى؛

4- سست بودن برخى از دلائل ارائه شده، يا عدم هضم آن دلائل براى مقطع سنّى معيّن يا مقطع زمانى موردنظر؛

5- غفلت از آثار و نتائج و بركات امام معصوم در حالى كه انسان در آن بركات غرق شده باشد. (البته جهان و جامعه، هيچ وقت، بدون وجود امام معصوم، تجربه نشده است.)؛

6- شبهه‏پراكنى‏هاى پياپى و ضعف پاسخهاى داده شده؛

7- تلاش دشمنان اسلام، براى دور كردن جامعه از معنويّت و اركان هدايت و غرق شدن در لذّت‏هاى مادى؛ و در نتيجه از دست دادنِ حساسيّت لازم نسبت به حضور امام معصوم در جامعه.

علل ضعف ايمان به امام در دوران غيبت كبرا

ضعف ايمان نيز، جداى از ضعف شناخت، مى‏تواند معلول چند امر باشد:

1- ضعف شناخت و كافى نبودن اطّلاعات موجود در باره‏ى امام غايب؛

2- ناقص‏بودن استدلال يا كافى نبودن دلائل ضرورت و اهميّت وجود امام معصوم (عليه‏السّلام) در جامعه در تمام دوران‏ها؛

3- عدم احساس به آثار وجودى امام غايب؛

4- عدم احساس به حضور او در صحنه‏ى زندگى؛

5- جهل فوائد وجود امام (عليه‏السّلام) در دوران غيبت؛

6- ضعف ارتباط روحى با امام معصوم (عليه‏السّلام) در دوران غيبت و استتار؛

7- اعتقاد به امكان ادامه‏ى زندگى فردى و اجتماعى منهاى وجود امام معصوم؛

8- شبهات مطرح شده در باره‏ى امام مهدى (عليه‏السّلام) گاهى اصل شناخت را زير سؤال مى‏برد و گاهى ايمان به او را متزلزل مى‏سازد؛

9- فقدان عنصر صبر و بردبارى و يا فقدان روحيه‏ى تلاش و تحقيق كه در فرض طولانى شدن غيبت، مى‏تواند انسان را از ظهور امام (عليه‏السّلام) مأيوس گرداند.

به همين جهت، در برخى دعاهاى ويژه دوران غيبت، روحيه‏ى استعجال نكوهش شده است، و در مقابل روحيه‏ى انتظار امام غايب (عليه‏السّلام) س

تايش و تقويّت شده است، بلكه مؤمنان بايد براى به دست آوردن صفت و ملكه‏ى صبر و مقاومت و بردبارى درخواست جدّى و دعاى واقعى كنند، و اين امر نشانه‏ى برخى آسيب‏هاى جدّى در اين زمينه است.

پرسش‏هاى بى‏جا و غير مفيد، و اعتراض‏هاى نابه‏جا نيز انسان را به سمت يك نوع سستى در ايمان مى‏كشاند.

انتظار اطّلاع و آگاهى از تمام اسرار هستى، انتظارى بى‏جا است كه انسان را در كشف اسرار نهفته، حريص مى‏گرداند، ولى او را به جايى نمى‏رساند. به همين دليل يك انسانِ منتظرِ ظهور امام مهدى(عج) نبايد انتظار داشته باشد كه سرّ همه چيز را بداند.

فراموش كردن وجود امام معصومِ غايب، منتظر نبودن ظهور او، قطع ارتباط روزانه با او، ترك صلوات فرستادن بر او، ترك دعاى تعجيل فرج براى او، مى‏تواند ايمان انسان را به او سست كند و انسان را از آمادگى براى ظهور او محروم گرداند.

پديده‏ى استعجال - كه در روايات و دعاها، بسيار نكوهش شده است - مى‏تواند معلول يكى از دو عامل باشد:

الف) نزديك بين بودن انسان و فقدان دورنگرى و عادت ندادن خود به ديدن افق‏هاى بسيار دور زندگى و توجّه به منافع و مصالح بسيار نزديك و محسوس و زودگذر و غفلت از مصالح آينده و اهداف بزرگ رسالت جهانى و فراگير امام زمان (عليه‏السّلام)؛

ب) آگاه نبودن به مسير طبيعى و منطقى تحوّلات اجتماعى، و عدم شناخت قوانين حاكم بر تحوّلات اجتماعى.

آسيب‏زدايى از شناخت و ايمان به امام غايب‏

اهل بيت پيامبر (عليهم‏السّلام) به شناخت و ايمان مردم به امام معصوم (عليه‏السّلام) در زمان غيبت او، توجّه شايان داشته‏اند و در آثار گران‏بهايشان، اين اهتمام، به خوبى، به چشم مى‏خورد.

در دعاها و زيارت نامه‏ها و روايات اهل بيت (عليهم‏السّلام) به بسيارى از علل ضعف شناخت و ايمان به امام غايب نيز توجهى ويژه مى‏بينيم.

البته، بسيار روشن است كه با توّجه به عللِ ضعفِ شناخت و ضعفِ ايمان، بايد در رفع اين مشكل بكوشيم، و خلاصه‏ى درمان اين مشكل، در بسيارى از دعاها و زيارت نامه‏هاى مخصوص حضرت مهدى (عليه‏السّلام) در دوران غيبت كبرا، مطرح شده است.

1- به عنوان نخستين گام، به دست آوردن شناخت صحيح از مسئله‏ى مهدوّيت و شخص امام مهدى (عليه‏السّلام) امرى ضرورى است. اين مهم، با دقّت كافى در دعاها و زيارت‏نامه‏ها، تأمين مى‏گردد؛ زيرا كه، شناخت صحيح و لازم را در آن‏ها مى‏يابيم.

2- گام دوم به دست آوردن دلائل كافى و لازم، و اثبات كننده‏ى وجود امام معصوم و غايب است. هر چند اين دلائل را در كتب كلامى مى‏يابيم، امّا دعاها و زيارت‏نامه‏ها، از اين دلائل نيز برخوردارند، بلكه در برخى دعاها و زيارت‏نامه‏ها، صريحاً، و در برخى ديگر، با اشاره‏ى گويا، اين مبحث مطرح شده است. زيارت جامعه‏ى كبيره و زيارت وارث و دعاى عصر روز جمعه(1)، به طور ويژه، به اين امر پرداخته است.

3- گام سوم شبهه‏زدايى است. بايد به همه‏ى شبهات تزلزل‏آفرين، توجّه شود و حل گردد. برخى از اين شبهات را كتاب‏هاى كلامى و حديثى و برخى نيز در دعاهاى ويژه امام زمان(عج)، مطرح و پاسخ داده شده است.

4- گام چهارم، زدودن مشكل يأس و نااُميدى است. اين مشكل، با شناخت و تبيين قوانين اساسى حاكم بر تحوّلات اجتماعى (منطقه‏اى و جهانى)

و فهم روند تحوّلات فرهنگى و اجتماعى قابل رفع است.

شناخت اين قوانين، راه‏هاى گوناگون دارد. از جمله‏ى اين راه‏ها، بهره‏بردارى صحيح از تاريخ است. شناخت صحيح از تاريخ، راه را براى شناخت مسير و قوانين حاكم بر تحولاّت اجتماعى، هموار مى‏كند. قرآن كريم، بيش‏ترين توجّه را به اين راه معطوف داشته است.(2)

در برخى از دعاهاى ويژه‏ى امام زمان (عليه‏السّلام) يقين به قيام حضرت مهدى (عليه‏السّلام) را همانند يقين به قيام حضرت رسول خدا (صلّى‏اللّهُ‏عليه‏وآله‏وسلّم)(3) قرار داده است. و در حقيقت، ما را از گذشته‏ى يقين‏آور به آينده‏ى نيازمند يقين، توجّه مى‏دهد. بنابراين يقين لازم را نيز مى‏توانيم از راه مطالعه و تحقيق در تاريخ به دست آوريم و براى ديگران تبيين كنيم. و با استفاده از تاريخ بيشترين زمينه‏هاى لازم براى تحقق يقين فراهم مى‏گردد.

5- گام پنجم، توجّه به افق‏هاى بسيار دور، در عين توجّه به افق‏هاى بسيار نزديك و بالفعل است، دورنگر بودن، همزمان با غافل نبودن از واقعيّت‏هاى موجود بسيار لازم است؛ بنابراين، مشكل زمان را بايد براى خود حل كنيم و مراقب باشيم كه توجه به آينده‏ى بسيار دور عامل يأس و سستى و در نتيجه مانع برنامه‏ريزى دراز مدت و پايدار نگردد.

قرآن كريم، مى‏فرمايد: ((إنهم يرونه بعيداً ونراه قريباً))(4)؛ برخى از مردم، قيامت يا قيام مهدى (عليه‏السّلام) را بسيار دور مى‏بينند، در حالى كه ما آن را بسيار نزديك مى‏بينيم.

6- پس از رفع شبهات و زدودن شك‏ها و ترديدهاى مطرح شده در مورد دلائل قطعى كه ثابت‏كننده‏ى وجود و حضور امام در پشت پرده‏ى غيبت است، لازم است ارتباط معنوى ما با امام ناظر و غايب (عليه‏السّلام) - كه مهم‏ترين عامل رشد معرفت و ايمان به او به شمار مى‏رود - تقويت گردد.

تقويت ارتباط معنوى با امام غايب، با وسائلى چند تحقق‏پذير مى‏باشد:

الف) دعاهاى روزانه و هفتگى و در مناسبت‏هاى گوناگون؛

ب) زيارت‏هاى روزانه و هفتگى و در مناسبت‏هاى مختلف(5)؛

ج) انتظار صحيح و سازنده و مبارزه با انتظار منفى كه خود از عوامل سستى‏زا و يأس‏آور است؛

د) توجّه به مسئله‏ى عَرضه‏ى اَعمال مردم بر امامِ زمانِ خود، و لازمه‏ى آن احساسِ نظارت هميشگى امام (عليه‏السّلام) بر اعمال مان(6)؛

ه) توجّه به ويژگى شب قدر و نحوه‏ى ارتباط معنوى و شايسته با امام زمان (عليه‏السّلام) در اين شب مهم(7) در هر سال؛

و) ارتباط مالى و عاطفى با امام (عليه‏السّلام)، (توجّه به وجوب خمس بر مردم كه از آنِ امام مى‏باشد)، و استحباب پرداخت صدقه يا نذر براى سلامتى امام زمان (عليه‏السّلام)؛ كه مستلزم يك ارتباط واقعى و معنوى با امام است.

ز) ارتباط پيوسته اعتقادى و تشكيلاتى و عاطفى با نايبان عام امام زمان (عليه‏السّلام)(8)؛

ح) ارتباط سياسى و اجتماعى و عاطفى سالانه با امام زمان خود (عليه‏السّلام) در عرصه‏ى حج و در روزهاى ويژه‏ى حج؛ زيرا، همه ساله، امام (عليه‏السّلام) در موسم حج حاضر مى‏گردد و به حجّاج آن سال توجّهى ويژه مى‏كند.

ط) توسّل به امام زمان خود و توجه ويژه به او در تنگناها و مشكلات فردى و اجتماعى و درخواست شفاعت وقت خاصى ندارد و براى هميشه ممكن و تحقق‏پذير است.

ى) تبليغ و ترويج نام و ياد امام مهدى (عليه‏السّلام) در ميان افراد خانواده و افراد محله و ميان همنشينان و دوستان و در ميان ساير افراد جامعه(9) آثار روانى مثبتى در جهت تحكيم ارتباط حقيقى با امام زمان(عج) مى‏باشد؛

ك) توجّه يافتن و توجّه دادن به ضرورت وجود و حضور امام معصوم در تمام عرصه‏هاى اجتماعى؛

عموماً، آموزه‏هاى زيارت‏نامه‏ها و دعاهاى رسيده از معصومين (عليهم‏السّلام) در باره‏ى حضرت مهدى (عليه‏السّلام) بسيار زيبا و گويا، و نشان‏دهنده‏ى نوع درمان مناسب و راه‏حل‏هاى دقيق براى رفع مشكلات زمان غيبت است.

استفاده از عنصر تبيين مسئوليّت‏هاى امام (عليه‏السّلام) در دوران غيبت، مى‏تواند در اشكال زدائى نسبت فوائد و آثار وجودى امام غايب مؤثر باشد. كه تبيين آن، اشكالِ لغويتِ وجود امام غايب، مرتفع مى‏گردد. و يكى از سببهاى سُستى ايمان و ضعف ارتباط مرتفع مى‏گردد.

استفاده از عنصرِ تبيينِ مجموعه وظايف پيروان امام مهدى (عليه‏السّلام) و منتظران واقعى او نيز نشان دهنده‏ى توجّه به اشكال بر فايده‏ى انتظار امام غايب است. رفع اين اشكال، ضرورى، بلكه يك نوع مبارزه با انتظار منفى است.

در ضمن، راهى براى معالجه و درمان مشكل سوء استفاده‏ى دشمنان از غيبت امام معصوم (عليه‏السّلام) است. و انتظار منفى يكى از زمينه‏هاى ايجاد بحران‏هاى فكرى و سياسى و اجتماعى و اخلاقى در جامعه اسلامى است.

استفاده از عنصرِ خطاب و سخن گفتن مستقيم با امام غايب (عليه‏السّلام) - كه در زيارت‏نامه‏ها و دعاها، به چشم مى‏خورد نشان دهنده‏ى اهميّت توجّه مؤمنان و منتظران به ضرورت داشتن احساس واقعى نسبت به حضور امام معصوم در تمام صحنه‏هاى زندگى آنان است.

استفاده از عنصرِ تكرار بيان وظايف به منتظران و ياران امام زمان (عليه‏السّلام) نشان دهنده‏ى ضرورت تربيت آنان همراه با تذّكر و يادآورى‏هاى پيوسته نسبت به ضرورت آمادگى بالفعل براى يارى رساندن به امام، و ايجاد آمادگى واقعى و لازم در خود و ديگران براى ظهور امام (عليه‏السّلام) و ضرورتِ آمادگى براى فرمان بردارى از او مى‏باشد.

تقريباً همه‏ى آسيب‏هاى دوران غيبت - كه دوران انتظار فرج است - در دعاها و زيارت نامه‏هاى موجود، به طور چشم‏گيرى تذكّر داده شده، و راه‏حل‏هاى آن‏ها نيز در بيشتر دعاها مطرح گشته است.(10)

در اين دعاها و زيارت نامه‏ها، برنامه‏هاى آينده‏ى امام نيز به گونه‏اى بسيار گويا و روشن، مطرح شده است و چشم‏انداز حركت آينده‏ى امام (عليه‏السّلام)(11) را نيز به پيروان او گوشزد مى‏كند تا به سمت آن اهداف بلند حركت كنند و خود را به او و اهداف او، هر چه سريع‏تر، نزديك كنند.

در برنامه‏هاى ويژه‏ى منتظران - كه يك برنامه‏ى كامل براى ايجاد آمادگى، و در حقيقت، نشانه‏ى يك آماده باش كامل و تمام عيار است - مقدّمات ظهورى كه در اختيار منتظران و دل‏باختگان و شيفتگان ظهور حضرت است برنامه ريزى شده است، و اين خود نقشى فعّال و عملى در زمينه‏سازى واقعى را ايفا مى‏كند.

بنابر اين، بسيارى از چشم‏اندازها و مشكلات مطرح در عصر غيبت و راه‏حل‏هاى اين مشكلات، در خصوص دوران غيبت كبرا در دعاها و زيارت‏نامه‏ها و صلوات ويژه‏ى حضرت مهدى (عليه‏السّلام) به گونه‏هاى مختلف، با اجمال و تفصيل، و گاهى با تكرار و تأكيد فراوان، به چشم مى‏خورد. و اين، مطلب نشان مى‏دهد كه همه‏ى امامان معصوم (عليه‏السّلام) در دوران حضورشان، به مسئله‏ى غيبت و مشكلات آن، توجّهى كامل داشته‏اند. خود حضرت صاحب الامر (عليه‏السّلام) در دعاهاى گوناگونى كه به پيروان خود تعليم نموده است، در صدد علاج بسيارى از اين مشكلات و چالش‏ها بوده است.

پس مهم‏ترين عنصر در تقويت ارتباط معنوى با امام غايب (عليه‏السّلام) همين دعاهاى روزانه و هفتگى ويژه‏ى امام زمان (عليه‏السّلام) است كه يك برنامه‏ى حساب شده و منظّم را در پيش روى منتظران قرار مى‏دهد و ترسيم مى‏كند تا طبق اين الگو، زندگى خود را تنظيم كنند و به سوى روزهاى ظهور، يك حركت جدّى و حساب شده و با شتاب، داشته باشند.(12)

در اين دعاها، همين بس است كه عنصر اميد در وجود انسان زنده مى‏شود. توجّه به عنصر ايمان و عنصر يقين كه اوج اعتقاد مطلوب است، در اين دعاها، بسيار چشمگير است. به همين خاطر، عوامل سلب يقين را گوشزد، و راه‏حل‏هاى گوناگونى براى اين آسيب بيان شده است.

البته، جا دارد كه خوانندگان اين نوشتار، براى يك بار هم كه شده، در اين زمينه، به دعاهاى ويژه امام زمان (عليه‏السّلام) در عصر جمعه مراجعه كنند تا ببينند امامِ غايب، براى حل مشكل‏ها و چالش‏هاى دوران غيبت خود، چه راه‏حل‏هايى مطرح كرده است.

بنابر اين، با رفع هر گونه ابهام براى منتظران و يا ردّ اشكالات احتمالى و رفع مشكلات قطعى، آسيب‏هاى دوران غيبت امام مهدى (عليه‏السّلام) شناسانده و زدوده مى‏شود، و راه جلوگيرى از ضررهاى احتمالى نيز بيان مى‏گردد.

البته، برخى آسيب‏هاى مطرح شده، حتّى در عصر حضور امام معصوم نيز مشاهده مى‏شود. تاريخ ما، اين آسيب‏ها را به طور فراوان نشان مى‏دهد. تعداد و نوع آن‏ها، بستگى به درجه‏ى رشد فرهنگى جامعه و افراد با ايمان دارد.

در دوران غيبت، زمينه براى آزمايش برتر فراهم مى‏گردد و با خالص شدن نيروهاى تحت امر امام (عليه‏السّلام) معجزات الهى، زمينه‏ى ظهور خواهد داشت.

تاريخ اسلامى ما، نشان داده است كه بيش‏ترين آسيب‏ها و ضربه‏ها زمانى است كه نيروهاى ناخالص از نيروهاى خالص جدا نشده‏اند و دوستان از

دشمنان، تمييز داده نشده باشند، و در حقيقت، دشمنان واقعى، در لباس دوستانِ نزديك در آمده باشند.

بنابر اين، بالا رفتن سطح آگاهى و بالا بودن ذخيره‏ى تجربياتِ سخت در دوران غيبت، دو اصلِ اجتناب‏ناپذير براى رسيدن نيروهاى تحت امر حضرت (عليه‏السّلام) به وضع مطلوب است.

در بحث آينده، به مشكل رهبرى در دوران غيبت كبرا بايد بپردازيم و راه‏حل آن را از منظر امام مهدى (عليه‏السّلام) با زاويه‏ى ديد تاريخى مطرح و بررسى كنيم. إنْ شاء الله تعالى‏

-------------------

پي نوشت :

1) منظور، دعايى است كه سيد بن طاووس آن را ذكر كرده است. اين زيارت، در آخر مفاتيح الجنان نقل شده است. آغاز آن: ((اللهم! عرفنى نفسك...)) است.

2) كتابهاى تبيين كننده‏ى سنتهاى تاريخى قرآن خصوصاً تفسير موضوعى شهيد سيد محمدباقر صدر در اين جا راه‏گشا مى‏باشد.

3) ويكون يقيننا في ذالك كيقيننا بقيام رسولك (عليه‏السّلام) (دعاى عصر روز جمعه، مفاتيح الجنان، ص 783؛ انتشارات علميّه‏ى اسلاميّه).

4) معارج: 6 - 7.

5) اين دعاها و زيارت‏نامه‏ها را در سرتاسر كتاب شريف مفاتيح الجنان مى‏يابيم.

6) در تفسير آيه‏ى شريفه ((وقل اعملوا فسيرى الله عملكم ورسوله والمؤمنون)) روايات فراوانى در عرضه‏ى اعمال بندگان بر پيامبر و امامان معصوم رسيده است. در عصر غيبت، فلسفه‏ى اين كار بسيار قابل توجّه و تأمّل بيشتر است.

7) در شب قدر، ملائكه و روح، بر حجّتِ خدا، در هر عصر فرود مى‏آيند. همه ساله، اين پديده‏ى بسيار مبارك و مهم، تحقّق مى‏يابد.

8) نايبان عام امام زمان (عليه‏السّلام) عالمان فرهيخته و عادل و با تقوا كه شايسته‏ى منصب رهبرى مردم از طرف او در عصر غيبت هستند، نمايانگر حضور خط امامت و ولايت در صحنه‏ى زندگى فردى و اجتماعى مردم مى‏باشند. ارتباط با آنان در امر تقليد در احكام دين و رساندن خمس و زكات و اداى حقوق مالى ويژه‏ى منصب امامت به نايبان امام زمان، نشانه‏ى ضرورت برقرارى ارتباط تشكيلاتى - مذهبى (اعتقادى و عاطفى) با خط امامت است. اين كار، يادآور وجود و حضور او، از جهتى، و نشان دهنده‏ى مظلوميت او، از جهتى ديگر است كه مؤمنان را در انتظار ظهور او آماده‏تر مى‏كند. زيرا، هيچ كس جايگزين امام معصوم نمى‏شود. اين مطلب، در تار و پود فرهنگ شيعيان نهفته است.

9) البته، جمع‏آورى و نشر آثار و بركات وجودى امام زمان (عليه‏السّلام) در ترويج نام و ياد او بسيار مؤثّر است. سهيم بودن انسان در اين امر و احساس او به سهيم بودنش در اين زمينه، در بارورى ايمان او و اعلام آمادگى براى ظهور امام (عليه‏السّلام) بسيار مؤثّر است.

10) مثلاً در آخر دعاى افتتاح، در شكايت‏هاى مطرح شده، مهم‏ترين آسيب‏ها، تذّكر داده شده است.

11) در دعاى مورد اشاره. در پاورقى شماره‏ى 1 همه‏ى برنامه‏هاى حضرت در زمان ظهور، به طور نسبتاً مفصّل يادآورى شده است در حقيقت، خطوط روشن حركتِ امام و اهداف مورد نظر او در اين نهضت جهانى، بيان گرديده است.

12) جمع‏بندى و طبقه‏بندى محتواهاى نغز كليه دعاها و زيارت‏نامه‏ها ويژه حضرت مهدى (عليه‏السّلام) عموماً كارى بسيار مهم و مفيد و ضرورى به نظر مى‏رسد كه به ويژه براى ياران و منتظران حضرت بسيار مفيد مى‏باشد.